

تحلیل انتقادی گونه‌های مبنای‌گرویی در مطالعات آینده‌پژوهی اسلامی

حسین جدی^۱، فرهاد احمدی آشتیانی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۱

چکیده

از مهم‌ترین عوامل دستیابی به نسخه آینده‌پژوهی اسلامی، چگونگی تلقی آینده‌پژوهان مسلمان، از منابع معرفت بخش دینی است. این مقاله، با اتخاذ روش اسنادی و بر اساس «تحلیل محتوا» سه گونه‌ی مبنای‌گرویی، یعنی «اسلامی-دینی گرویی آینده‌پژوهی»، «قرآن گرویی آینده‌پژوهی» و «حدیث گرویی آینده‌پژوهی» را بازجسته است. و در ادامه نیز، برای بهبود تسریع در روند کشف، فراگیری، ایجاد درک مشترک در اذهان نسخه آینده‌پژوهی اسلامی، اعتنا به پاره‌ای از ملاحظات معرفت‌شناختی، منبع‌شناختی و روش‌شناختی را ضرورتی انکارناپذیر می‌داند. از جمله این موارد، می‌توان به «عدم رمزگشایی در معنای اسلامی بودن آینده‌پژوهی»، و «مرزگشایی از وجه تناسب نسخه آینده‌پژوهی اسلامی با تعابیر هم‌آوای آن»، «ابهام در معرفی معیارهای اسلامی بودن مطالعات آینده‌پژوهی»، «عدم اعتنای کافی به نقش «روش» در مطالعات آینده‌پژوهی»، «عدم به‌کارگیری از منابع و ادله بین مذهبی»، «نامعلومی نقش تجارب و دستاوردهای بشری در پازل معرفتی آن»، «عدم معرفی سازوکارهای روش‌شناختی در ارائه نظریه» و «عدم تشکیل نظام مسائل در مطالعات آینده‌پژوهی اسلامی». اشاره نمود.

کلیدواژه‌ها: آینده‌اندیشی، آینده‌پژوهی اسلامی، آینده‌پژوهی دینی، مبنای‌گرویی آینده.

۱. مدرس گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول) jeddi.hossein1991@mail.ir

۲. پژوهشگر پسادکتری دانشگاه امام صادق(ع) farhadahmadi@ut.ac.ir

۱. مقدمه

از زمان پیدایش و ورود قهری «آینده‌پژوهی»^۱ به خط‌مشی اسلامی، پژوهشگران و دین‌پژوهان مسلمان، کوشیده‌اند، متناسب با دغدغه و فضای گفتمانی خویش، علاوه بر بازکاوی و بومی‌سازی این مفهوم مدرن، به چگونگی سازگاری و ارزیابی آن از رهگذر متون و منابع معرفت‌بخش اسلامی برآیند. این مطلب که در ابتدای امر از سوی برخی از آینده‌پژوهان مسلمان؛ همچون «سردار و همکاران وی» (Sardar, 1989, 48-49) و «المانجرا»^۲ آغاز شد، رفته‌رفته، مورد استقبال سایر آینده‌پژوهان در بوم‌های مختلف اسلامی (به‌خصوص بوم شیعی) نیز، قرار گرفت. با توجه به آنکه در دو دهه اخیر، رویکردها و نظرات گوناگونی، در راستای معرفی ابعاد «آینده‌پژوهی اسلامی» ارائه می‌شود اما دستیابی به نسخه مطلوب آن، نیازمند خوانش انتقادی در این حوزه مطالعاتی است.

مطالعه انتقادی آینده، نیازمند بررسی منتقدانه مباحث درسی، علائق علمی و نقد مفروضاتی است که بیشتر دیدگاه‌ها بر آن استوارند (اسلاتر، ۱۳۹۰: ۱۸۹-۱۹۰). اگر آینده‌پژوهان مسلمان به فکر برنامه‌ریزی مطلوب آینده با رویکردی انتقادی نباشند، ناگزیر، طرف‌های مقابل، اتاق‌های فکری مستقلی را به‌منظور جهت‌دهی و تحقق آن طرح‌ریزی می‌کنند و در نهایت زمین‌بازی را به‌سوی منافع خود، رقم می‌زنند (عنایت‌الله، ۱۳۹۴: ۲۲۷). آنچه بر اهمیت این مسئله می‌افزاید، پیش‌فرض‌های ذهنی آینده‌پژوهان مسلمان، خواه‌ناخواه، معطوف چگونگی مواجهه و تلقی آنان از منابع معرفتی اسلام (متون نقلی، گزاره‌های عقلی، یافته‌های تجربی، نوآوری‌های علمی و فناوری) است. از همین رو، اتخاذ رویکرد انتقادی نسبت به دستاوردها و گونه‌های مبنای‌گرویی در این حیطه مطالعاتی، می‌تواند فضای روشن‌گرانه‌ای را فراروی سیاست‌گذارهای حوزه آینده‌پژوهی بومی-اسلامی، قرار دهد.

اگرچه، پاره‌ای از آینده‌پژوهان مسلمان، زمزمه‌ها و سخنانی را جسته و گریخته از چگونگی امکان نسخه «آینده‌پژوهی اسلامی»، بیان کرده‌اند (پدرام، عیوضی، ۱۳۹۵: ۱۲۳-۱۷۷؛ کارگر، ۱۳۹۵: ۷۸-۸۰؛ وقوفی، ۱۴۰۰: ۵۸-۸۹) اما آنچه آشکار است، تلقی و معیار مشخصی که از

1. Futures Studies

2. Elmandjra

نسخه «اسلامی بودن آینده‌پژوهی» رونمایی کند، شاهد نیستیم. به آن معنی که برای استناد و انتساب گزاره‌های آینده‌پژوهی به «اسلام» چه ضوابط و معیارهایی وجود دارد؟ به‌صرف بهره‌جویی از شماری از «منابع دینی»، آینده‌پژوهی، اسلامی می‌شود؟ فرآیند و سازوکارهای روش‌شناختی در این حوزه مطالعاتی کدامند؟ آینده‌پژوهان مسلمان، به چندگونه مبنای مبنای روی آورده‌اند؟ بی‌شک، نداشتن تصور و عدم ارائه پاسخی مناسب در مورد هر یک از سؤالات مزبور، خواسته یا ناخواسته بر نامعلومی، پیچیدگی و نتایج متعارض می‌افزاید.

۲. پیشینه

با جستجو در آثاری که در این حوزه مطالعاتی، نگارش یافته‌اند، اثر مکتوب مشخصی که به مروری نظام‌مند با آثار مرتبط با حوزه آینده‌پژوهی پرداخته باشد، یافت نشد. اما می‌توان به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم، بخش قابل توجهی از آثار مرتبط با این حوزه را به مثابه مواد اولیه ساختار و محتوای این پژوهش قلمداد نمود. این مطلب به این معنیست که در این پژوهش علاوه بر آنکه به شناسایی، تحلیل و دسته‌بندی گونه‌های مبنای مبنای در مطالعات آینده‌پژوهی اسلامی بذل عنایت می‌شود، نقاط انتقادی و کاستی‌های محتمل را به‌منظور بهبود آن در مطالعات پسین نیز، مدنظر دارد.

۳. مبانی نظری

در مطالعات آینده‌پژوهی اسلامی، اصولاً باید مرز میان «مبانی نظری آینده‌پژوهی اسلامی» با «مبانی نظری آینده‌پژوهان مسلمان» را از هم، جدا نماییم. توضیح آنکه، در یک سطح، سخن در آن است که «آینده‌پژوهی اسلامی»، بر چه مفروضات و مبانی نظری می‌تواند (توصیفی) یا بایستی (تجویزی) استوار باشد؟ اما در سطحی دیگر، به دنبال ارزیابی «مبانی» آینده‌پژوهان مسلمان هستیم. به آن معنی که محققان مسلمان در این عرصه، از چه مبانی و پیش‌فرض‌های معرفتی، برای نسخه آینده‌پژوهی اسلامی بهره جستند؟ جداسازی دو حیطه مزبور، از آن جهت است که مبانی آینده‌پژوهان مسلمان، به‌ضرورت

منطبق بر منظومه معرفتی اسلام نیست و مرزگشایی این نکته از آن رو است که هریک از آینده‌پژوهان مسلمان، خوانش متمایزی را نسبت با سایر محققان این عرصه، ارائه می‌کنند که چه بسا گاهی، تک‌بعدی و ناقص، و در برخی موارد نیز، دچار درهم‌آمیختگی با هم؛ و گاهی مواقع هم، مکمل یکدیگر باشند. ناگفته نماند که رسیدن به «مبانی» آینده‌پژوهان مسلمان، در دو حالت کلی، قابل بازجستن است:

یکم) گاهی این «مبانی»، در لابه‌لای آثار آینده‌پژوهان، تصریح شده و با اتکا بر آن‌ها، نظریه‌پردازی علمی می‌کنند. برای نمونه، برخی از آینده‌پژوهان مسلمان، «مبانی نظری» خویش را در فرآیندی همسو با مبانی اندیشه قرآنی معرفی می‌کنند. یعنی به لحاظ مبانی «معرفت‌شناختی»، ابزار کشف معرفت را علاوه بر حس، تجربه و عقل، شامل «قلب و شهود» نیز توسعه می‌دهند یا به لحاظ «هستی‌شناختی»، اراده و سنت خدای رحمان را تخلف‌ناپذیر می‌دانند و برای جهان هستی، علاوه بر ساحت مادی و طبیعی، جهانی فراماده و غیبی نیز در نظر می‌گیرد. یا به لحاظ «غایت‌شناختی»، هدایت و تدبیر خدای رحمان را مهم‌ترین عامل ساخت آینده مطلوب در نظر می‌گیرند و در چشم‌اندازی آرمانی، تمام افق‌های آینده‌نگری را در راستای نیل به رستگاری و قرب به خدای رحمان مدنظر دارند.

دوم) گاهی نیز، این «مبانی»، به صورت آشکار بیان نشده بلکه از چگونگی مواجهه آینده‌پژوهان مسلمان با منظومه تفکر اسلامی یا غربی، به دست می‌آید. برای مثال؛ به لحاظ «ابزار شناختی»، چگونگی باورهای آینده‌پژوهان مسلمان، نسبت به اسلامی یا غیر اسلامی بودن «دانش فناوری»، می‌تواند آینده‌پژوه مسلمان را دچار نوعی برگرفتن و یا فرورفتن در ورطه مفروضات آینده‌پژوهی غربی کند و به این سان، هرگونه وسیله‌ای را برای رسیدن به هدف خود، توجیه نماید. یا در نمونه‌ای دیگر، در گفتمان «مهدویت‌پژوهی»، علاوه بر به‌کارگیری منابع روایی امامیه، از مجامع روایی اهل تسنن نیز، برای نوع نگرش دیدگاه اسلام به آینده جهان بهره‌جویی نماید. اگرچه، در این موارد آینده‌پژوه، مبانی و پیش‌فرض‌های

خود را آشکارا، بیان نمی‌کند اما از نوع مواجهه و عملکرد وی، با منابع روایی فریقین، می‌توان میزان توجه آنان را به سایر منابع مقبول خودشان نیز، بازجست. به عبارتی، مفروضات اصلی این پژوهش آن است که آینده‌پژوهان مسلمان در ضمن دستاوردها و نوآوری‌های ارزشمندی که در پاره‌ای از آثار علمی قابل بازجستن است، اما برای تشکیل نظام آینده‌پژوهی اسلامی و ارائه نسخه معرفتی آن، بایستی به شماری از خلاهای محتمل نیز بذل عنایت نمایند. لذا مبنای تحقیق در این مقاله، کتاب‌ها، مقالات و رساله‌هایی است که آینده‌پژوهان مسلمان در آثار مکتوب و الکترونیکی خود، به آن استناد کرده‌اند.

۴. روش پژوهش

روش به‌کارگیری در این پژوهش، اسنادی و بر اساس تحلیل متن «تحلیل محتوا» صورت می‌پذیرد. زیرا در روش «تحلیل محتوا» این امکان، برای پژوهشگر فراهم می‌شود که ابعاد متون (نوشتاری و الکترونیکی) را به صورت عینی و منظم بشکافد و تحلیل کند. اتخاذ این روش، چند گام عمده دارد:

یکم) تعریف دقیق مفاهیم تصویری.

دوم) تحدید متون پژوهشی که بایستی مورد تحلیل واقع گردند.

سوم) تعیین شاخص‌هایی که بتوان بر اساس آن، محتوا را طبقه‌بندی نمود.

چهارم) یادداشت‌برداری از منابع و نتایج.

پنجم) تجزیه و تحلیل با رویکردی انتقادی.

۵. چیستی و چگونگی اسلامی بودن آینده‌پژوهی

سخن از «چگونگی» ارائه نسخه «آینده‌پژوهی اسلامی»، در گامی پیشین، تابع داشتن ملاک‌هایی پیرامون «چیستی» اسلامی بودن آینده‌پژوهی است. به عبارتی، پرسش از «توصیف» که از چگونگی یک گزاره و حقیقتی، حکایتگری می‌کند، به لحاظ منطقی، پس

از «تعریفی» است که از چپستی آن پرده برمی‌دارد (شریفی، ۱۳۹۵: ۱۲۶). گرچه، پیرامون چپستی آینده‌پژوهی رایج (غیراسلامی)، تعاریف و سخنانی را می‌توان جست‌وجو کرده و بازجست (پدرام، عیوضی، ۱۳۹۵: ۱۳-۱۷؛ کارگر، ۱۳۹۵: ۷۱-۷۷). اما به طور مشخص در مورد چپستی و چگونگی «نسخه آینده‌پژوهی اسلامی» آن‌گونه که بایسته است، شاهد معرفی الگوهای فراگیر و ایضاح معیارهای اسلامی بودن در مطالعات آینده‌پژوهی نیستیم.

اهمیت این مطلب زمانی رو به فزونی می‌نهد که هرکدام از آینده‌پژوهان مسلمان، از رهگذر «منابع معرفتی و مبنای نظری»، تلقی خویش را از گزاره، نظریه و دانش آینده‌پژوهی اسلامی، منعکس می‌کنند که امکان دارد با معیارهای «اسلامی»، سازگار باشد و چه بسا با آن نیز، فاصله زیادی، برقرار نماید. به عبارتی دقیق‌تر، «نسخه آینده‌پژوهی اسلامی»، باید دارای سازوکارها، روش‌ها، چارچوب‌ها، خطوط و معیارهایی باشد که ابتدا «از» درون متون، منابع اصیل و منظومه ارزشی و معرفتی اسلام، گرفته و برآمده باشد و دوم «با» آن نیز، به طور کامل هماهنگ باشد و دست‌کم، مخالف و در تضاد نباشد. و سوم اینکه چه بسا تابلو و نمایی کلی نیز، از آینده‌پژوهی اسلامی نداشته باشد.

۶. «مبنا‌گروی» در مطالعات آینده‌پژوهی اسلامی

با جستجو در آثار آثاری که توسط آینده‌پژوهان مسلمان، نگارش و ارائه شده، شاهد انواع گونه‌های مبنا‌گروی تحت عناوین پژوهشی گوناگون، در این حیطه مطالعاتی هستیم. به این معنی که مفروضات و بنیان‌های ذهنی، گرایش، جهت‌دهی و محوری کلی این آثار را سامان می‌دهد. گاهی این «مبنایی»، در لابه‌لای آثار آینده‌پژوهان، تصریح شده و با اتکا بر آن‌ها، نظریه‌پردازی علمی انجام می‌پذیرد. گاهی نیز، این «مبنایی» از میزان توجه و چگونگی مواجهه آینده‌پژوهان مسلمان با منظومه تفکر اسلامی یا غربی، به دست می‌آید.

صرف‌نظر از بازکاوی معنای لغوی «مبنا و مبنایی»، کاربرد اصطلاحی آن، در مطالعات اسلامی، با تعاریف گوناگونی روبرو است (عمید زنجانی، ۱۳۹۵: ۱۷۴؛ صفوی، ۱۳۹۱: ۱، ۳۰). اما باین‌همه، «مبنایی» به مجموعه‌ای از «گزاره‌های زیرساختی، پیش‌فرض‌ها یا گزاره‌های اثباتی

پذیرفته شده‌ای» است که معطوفِ مجموعه‌ای از «دانش‌های پایه‌ای یا پیش‌دانسته‌هاست». بی‌شک، این «پیش‌دانسته‌ها و گزاره‌های مسلم» در دانش‌های دیگر^۱، مورد مطالعه، گفتگو و اثبات قرار می‌گیرند و قهراً در مطالعات آینده‌پژوهی اسلامی نیز، به‌کارگیری می‌شوند. در مقام شناسایی «مبانی آینده‌پژوهان مسلمان»، توجه به دو ساحت مبنانشناسی ضرورت دارد: یکم) گاهی «مبانی آینده‌پژوهی اسلامی» را با «مبانی آینده‌پژوهی غربی» مقایسه و نسبت‌سنجی می‌کنیم. دوم) گاهی نیز، در گفتمان «درون‌مکتبی»، به دنبال «گونه‌های مبنای گروهی آینده‌پژوهی اسلامی» هستیم. وجه این مرزگذاری در شناسایی «مبانی»، از آن‌روست که در موارد بسیاری، چگونگی نسبت‌فضای اندیشه‌ای اسلامی و غربی، با یکدیگر از نوع «تقابل» است. بدین خاطر، برخی از آینده‌پژوهان مسلمان در لابه‌لای مطالعات آینده‌پژوهی، به این وجوه قابل‌تمایز، یعنی ساحت «معرفت‌شناختی»، «انسان‌شناختی»، «هستی‌شناختی»، «ارزش‌شناختی»، توجه نشان داده‌اند (رک: عالی نژاد، ۱۳۹۵: ۶۳-۷۱؛ کارگر، ۱۳۹۴: ۸۹-۱۰۵؛ احمدیان-ذوالفقارزاده، ۱۳۹۸: ۲۵-۲۱۴).

اما هنگامی که روی سخن، به طور مشخص پیرامون مطالعات آینده‌پژوهی اسلامی (درون‌مکتبی) است، این پی‌جویی‌ها در استخراج «مبانی»، شکل دیگری به خود می‌گیرد. چه، آینده‌پژوهان مسلمان، خواه‌ناخواه، تابع یکی از «مذاهب اسلامی» هستند و هر یک از آنان، به‌رغم اختلافات معرفتی و روشی که با یکدیگر دارند اما در بسیاری از موارد، «مبانی اندیشه‌ای مشترکی» با هم دارند. لذا گشودن مرز باریک این دوگونه‌گی، یعنی تقابل «مبانی آینده‌پژوهان غربی» با «مبانی آینده‌پژوهان اسلامی» و چگونگی تعامل «مبانی آینده‌پژوهان مسلمان» با هم یا از هم، بسیار حائز اهمیت است.

۷. گونه‌های «مبنای گروهی» در مطالعات آینده‌پژوهی اسلامی

بی‌شک، مواجهه‌ی علمی با آینده‌پژوهی اسلامی، فراتر از مرزهای جغرافیایی کشورهای

۱. این علوم و رشته‌ها، اعم از رشته‌هایی مانند فلسفه و منطق؛ معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی و فلسفه‌های مضاف و گزاره‌های قطع‌آور علوم تجربی و گزاره‌های نقلی و شهودی است.

مسلمان است. این مطلب به این معنی است که علاوه بر تمایز در «دانش، پیش‌فرض‌ها، جهان‌بینی، زبان و فرهنگ»، میان آینده‌پژوهان مسلمان، «محیط و فضای حاکم بر جامعه» نیز در چگونگی برداشت آنان از آینده‌پژوهی اسلامی، غیرقابل‌انکار است. با جستجو در آثار مکتوب پیرامون مطالعات آینده‌پژوهی اسلامی، شاهد سه عنوان کلی و مبنای همساز «اسلامی-دینی گروهی» «قرآن‌گرویی»، یا «حدیث‌گرویی» و یا ترکیبی از آن‌ها هستیم. بی‌شک، جداسازی کاربرست «قرآن و حدیث» از مفاهیم «اسلامی-دینی» در مطالعات آینده‌پژوهی، به چگونگی عنوان‌گذاری آینده‌پژوهان مسلمان باز می‌گردد. هرچند که در یک نگاه جامع‌گرایی، تمامی این نوع عناوین را می‌توان در زیرمجموعه «آینده‌نگری الهی» نیز گنجانید (رک: احمدیان، ذوالفقارزاده، ۱۳۹۸: ۲۹۴-۳۰۰). باری، به این معنی که تمام پسوندهای آینده‌پژوهی قرآنی-اسلامی-دینی را نیز در برگیرد. تعبیر مزبور، کارکردها و پیامدهای متنوع پژوهشی را فراهم می‌سازد. هرکدام از این اوصاف از اراده تکوینی یا تشریعی خداوند سخن می‌گویند. به طبع این مجال، در مقام احصاء تمامی آثار آینده‌پژوهان مسلمان نبوده و نیست بلکه به آثاری اشاره می‌کند که نسبت به سایر نوشته‌ها، از رواج بیشتری برخوردار است و سخنان برجسته و نظرات قابل‌ملاحظه‌ای را بیان کرده‌اند.

۷-۱. مبنا گروهی «دینی-اسلامی» در مطالعات آینده‌پژوهی

کاربرست «آینده‌پژوهی اسلامی» یا «آینده‌پژوهی دینی»، تعبیری است که کمتر از دو دهه در محافل دانشگاهی و حوزوی داخل و خارج از کشور، رواج فراوانی، یافته است. «آینده‌پژوهی» در کشورهای مسلمان عرب‌زبان، با تعابیری چون «الدراسات المستقبلیه، الاشراف المستقبلیه» بکار برده می‌شود. پاره‌ای از آنان، سمت‌وسوی آثار پژوهشی خود را پیرامون «مبنا گروهی "دینی" آینده‌پژوهی» بنیان نهاده‌اند؛ این کتاب‌ها و مقالات در جدول زیر تقدیم می‌گردد:

جدول ۱: کتاب‌های آینده‌پژوهشی با مبنا گرویی دینی

نام نویسندگان	کتاب‌های آینده‌پژوهشی با مبنا گرویی دینی
رحیم کارگر (۱۳۹۹ش)	۱. آینده‌پژوهی دینی و آینده جهان از دیدگاه اسلام
عبدالمجید صادقی (۱۳۹۶ش)	۲. آینده‌پژوهی با رویکرد دینی
علیرضا کیقبادی (۱۳۹۷ش)	۳. تحلیلی بر دو روش آینده‌پژوهی مدرن و آینده‌پژوهی دینی همراه با واکاوی نقش شهود در این دو روش

در این بین تنها یک عنوان مشخص پیرامون آینده‌پژوهی دینی نگارش یافته است.

محسن الویری (۱۳۹۲ش)	۱. تأملاتی دینی پیرامون آینده‌پژوهی
---------------------	-------------------------------------

و شماری دیگر نیز، مطالعات خود را در مورد «مبنا گرویی "اسلامی" آینده‌پژوهی» سوق داده‌اند. کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های مرتبط با این حوزه در قالب جدول زیر تقدیم می‌گردد.

جدول ۲: کتاب‌های آینده‌نگری با مبنا گرویی اسلامی

نام نویسندگان	کتاب‌های آینده‌نگری با مبنا گرویی اسلامی
ضیاءالدین سردار (۱۹۹۸م)	۱. «آینده تمدن اسلامی»
مهدی المانجرا (۱۳۸۴ش)	۲. «آینده‌های دنیای اسلام»
هانی بن محمد الجبیر (۱۴۲۹ق)	۳. «من معالم المنهجیه الاسلامیه للدراسات المستقبلیه»
فؤاد بلمون (۲۰۱۳م)	۴. «الدراسات المستقبلیه الاسس الشرعیه و المعرفیه و المنهجیه لاستشراف المستقبل»
احسان محمودپور (۱۳۹۱ش)	۵. «تأملی بر مبانی نظری آینده‌پژوهی و درآمدی بر آینده‌پژوهی اسلامی»
مرضیه فخرائی (۱۳۹۵ش)	۶. «آینده‌پژوهی اسلامی: تعاریف و دیدگاه‌ها»
احسان محمودپور (۱۳۹۱ش)	۷. «درآمدی بر آینده‌پژوهی اسلامی»

گفتنی است که برخی از آینده پژوهان مسلمان نیز در قالب «مقالات» مبنا رویکرد مطالعات پژوهشی خویش را پیرامون آینده‌پژوهی اسلامی برده‌اند.

جدول ۳: مقالات آینده‌پژوهی با مبنا گروی اسلامی

نام نویسندگان	مقالات آینده‌پژوهی با مبنا گروی اسلامی
علی اکبر عظیمی (۱۳۸۸)	۱. «بازنگری دستگاه نظری آینده‌پژوهی در جهان‌بینی اسلامی».
محسن منطقی (۱۳۹۱)	۲. «درآمدی بر اسلام و آینده‌پژوهی».
امید وقوفی (۱۴۰۰)	۳. «مقدمه‌ای بر مبانی آینده‌پژوهی اسلامی».

۷-۱-۲. مبنا گروی قرآنی در مطالعات آینده‌پژوهی

نخستین گام‌های آینده‌پژوهان مسلمان (اعم از آینده‌پژوه شیعه یا آینده‌پژوه سنی)، به‌منظور ارائه نظر و یا استحکام نظریه خویش، کم و کیف بهره‌گیری از آیات قرآنی است. با جستجوی به نسبت کامل در آثاری که پیرامون مطالعات آینده‌پژوهی/اندیشی اسلامی، شکل گرفته، برخی عنوان پژوهشی خویش را بر مبنای «قرآن گروی» نهاده‌اند. به این معنی که در لابه‌لای مطالعات و آثار پژوهشی، بهره‌جویی از آیات قرآنی، از فراوانی و برجستگی خاصی برخوردار است. هرچند که در لابه‌لای گفتگوها به تناسب پرداخت علمی، به‌صورت اندک شماری از احادیث هم بی‌بهره نبوده‌اند. هرچند که به‌طور کلی، وجوه مشترک این آثار دو ویژگی دارد:

یکم) برخی از آن‌ها به‌طور مستقل به دنبال «جایگاه و دیدگاه فهم قرآن کریم نسبت به آینده‌اندیشی و آینده‌نگری» بوده‌اند. به این معنی که قرآن کریم، به‌طور مستقل دارای دیدگاهی جامع، نسبت به مبانی و منظومه «هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی و روش‌شناختی» در ارتباط با آینده‌پژوهی است و به شکل اساسی درصدد ارائه طرحی متمایز، با آینده‌پژوهی غربی هستند.

دوم) شماری از آثار نیز، بسته و گریخته، به دنبال استناددهی و کشف عدم مخالفت دیدگاه خویش با آیات قرآنی بوده‌اند. به این معنی که در کنار مبانی و روش‌های

رایج آینده‌پژوهی، به مبانی و روش‌های قرآنی نیز، باور دارند. اما برای توجیه و تأیید دیدگاه خویش، از قرآن کریم نیز، استمداد جستجو می‌کنند. هرچند که برخی به طور مستقل به دنبال ابداع روش‌های جدید قرآنی نیز بوده‌اند. با این همه، به معرفی آثاری که در این حوزه نگارش یافته، توجه می‌شود:

جدول ۴: گونه‌های مبنا گروی قرآنی در مطالعات آینده‌پژوهی

نام نویسنده	گونه‌های مبنا گروی قرآنی در مطالعات آینده‌پژوهی
گودرزی، ذوالفقار زاده (۱۳۸۷).	۱. تصویرپردازی از مدیران آینده؛ به سوی الگوی قرآنی.
صمد عالی نژاد (۱۳۹۵ش)	۲. «آینده‌پژوهی از دیدگاه قرآن»
احمدیان و ذوالفقار زاده (۱۳۹۸ش)	۳. «درآمدی بر آینده‌اندیشی قرآنی: باورهای بنیادین، الگوهای رفتاری و رهنمودهای پژوهی»
احمدیان و ذوالفقار زاده (۱۳۹۸ش)	۴. حکمرانی و آینده‌نگری مؤمنانه از منظر سوره مجادله
احمدیان و ذوالفقار زاده (۱۳۹۸ش)	۵. مبانی نظری آینده‌نگری آیاتی؛ آیت پژوهی از منظر سوره جاثیه

بایسته بیان است که در این اثنا، شماری از پژوهشگران آینده‌پژوهی اسلامی نیز، مفروضات و مبانی نظری پژوهشی خویش را ترکیبی از مبنای قرآنی-حدیثی نیز نام‌گذاری کرده‌اند.

جدول ۵: پایان‌نامه‌ها و مقالات

نام نویسنده	پایان‌نامه‌ها و مقالات
حسین خزائی (۱۳۹۳ش)	۱. «مبانی روش‌شناسی آینده‌پژوهی در قرآن»
زینب قوام (۱۳۹۳ش)	۲. آینده‌پژوهی در آیات و روایات
محمدرضا پوراحمدی (۱۳۹۴ش)	۳. پژوهشی پیرامون آینده‌پژوهی در قرآن و روایات»
طاهره مسلمی زاده (۱۳۹۴ش)	۴. پایگاه دانش آیات و روایات آینده‌اندیشی»
روح‌الله رضایی (۱۳۹۳ش)	۵. چهل چراغ آینده: شبکه‌ای از آیات و روایات منتخب در مورد آینده‌پژوهی
عماد عبدالکریم خصاویه و خضرابراهیم قزق (۲۰۰۹م)	۶. السنن الالهیه فی القرآن الکریم و دورها فی استشراف المستقبل»
حسنوی، جعفری‌زاد، توحیدیان، (۱۴۰۰)	۷. طراحی الگوی آینده‌اندیشی از دیدگاه قرآن کریم

۷-۱-۳. مبنا‌گروی حدیثی در مطالعات آینده‌پژوهی

شماری از آینده‌پژوهان مسلمان، از رهگذر «منابع حدیثی»، به مطالعه آینده‌پژوهی اسلامی روی آورده‌اند. بیشترین سهم و اثر مکتوب به گفتمان «مهدویت پژوهی» اختصاص دارد. هرچند که منشأ ایجاد «تحقق آینده بشری» به دست «مستضعفان» از آیات قرآنی برخاسته است اما شخصیت و مصداق اصلی آن را بایستی در گفتمان «آینده‌نگری مهدوی» از مجامع روایی فریقین بازجست.^۱ این نکته به این معنی است که نظریه‌ای کاملاً دارای «شاخصه‌ای اسلامی» است که محصول مشترک «منابع روایی فریقین» باشد. این در حالی است که در بیشتر نظریه‌پردازی‌های اسلامی، خاصه آینده‌پژوهان مسلمان (اعم از آینده‌پژوه سنی و شیعی)، کمتر شاهد استناددهی به منابع روایی فریقین هستیم بلکه به منابع احادیثی که مقبول و معتبر خودشان است، ارجاع می‌دهند. اما با این همه، بایستی در هنگام بهره‌گیری از احادیث، قطع نظر از تعصبات مذهبی و ملاحظات روش‌شناسی فقه حدیث، به منابع هر یک نیز، مراجعه نمود. این مطلب نه تنها به خاطر انعطاف در تعریف مفهوم «سنت» است بلکه به خاطر وجود احادیث فراوانی از روایات نبوی (ص) و علوی (ع) در منابع روایی اهل تسنن می‌باشد.

۱. باور به گفتمان مهدویت و باور به ظهور و قیام مهدی موعود، به‌عنوان نجات‌دهنده عالم بشریت و اصلاح‌گر موعود، باور و اعتقادی است که بر اساس کتاب و سنت پدید آمده و همه مسلمانان پیشین و پسین، بر آن اتفاق نظر دارند. این باور، به‌عنوان اندیشه اصیل اسلامی، بر پایه استوارترین دلایل عقلی و نقلی بنا نهاده شده و هیچ‌یک از مسلمانان - به‌جز عده‌ای اندک - به انکار و یا تردید آن نپرداخته است (در مورد دیدگاه اهل تسنن رک: ابن حنبل، ۱۹۴۱۹: ۳، ۵ و ۳۸؛ طبرانی، ۱۰: ۱۰۴۰۵، ۱۳۴ - ۱۳۵؛ متقی هندی، ۱۹۸۹: ۱۴، ۲۸۶۵۹) شیعه، اعتقاد و باوری ژرف و آگاهانه نسبت به «مهدویت» دارد و آینده جهان و جامعه آرمانی، به‌روشنی در آن ترسیم و تصویر شده است. شیعه با مهدی موعود زندگی می‌کند و با آرمان «مهدویت» نفس می‌کشد و در هر لحظه‌ای، منتظر رسیدن فرج و ظهور او است. این باور به قدری ضروری و مسلّم است که هیچ‌گونه کژتابی و سستی در آن را نمی‌پذیرد و هیچ‌وقت از تأخیر ظهور، آزرده و مأیوس نمی‌شود. مهم‌ترین انگاره و چشمداشت شیعه از ظهور مهدی (عج)، تشکیل دولت جهانی و نابودی دولت‌های باطل در آینده جهان بشریت است (رک: رضوانی، مهدویت و جهانی‌سازی، ۱۵۰۱۵۲).

۷-۱-۳-۱. گونه‌های مبنای گروهی حدیثی در مطالعات آینده‌پژوهی

با جستجوی کامل پیرامون مطالعات حوزه آینده‌پژوهی اسلامی بر مبنای حدیث، به طور اساسی شاهد دو نوع مواجهه با متون حدیثی هستیم. تنها یک آثار مستقل، پایه‌های اندیشه‌ورزی و مبنای مطالعه تحقیقی‌شان را مبتنی بر پیوند میان «آینده‌نگری علوی و آموزه‌های نهج‌البلاغه» قرار داده‌اند. اما شمار قابل توجهی نیز، به دنبال پیوند «آینده‌پژوهی با آموزه‌های مهدوی یا آینده‌نگری مهدوی» بوده‌اند. به‌طور کلی، می‌توان تمامی آثاری که در حیطه آینده‌نگری و آینده‌نگاری با محور «مهدویت»، نگارش، تألیف یا تأسیس شده را به چند قسم عمده «کتاب، مقاله، پژوهشکده‌ها و پایان‌نامه و نشریه علمی» تقسیم نمود. تنوع این تقسیم‌بندی، آثار مکتوب، الکترونیکی، سایت‌ها و نشریات علمی است.

جدول ۶: گونه‌های مبنای گروهی حدیثی در مطالعات آینده‌پژوهی

الف: آینده‌نگری از نظرگاه آموزه‌های علوی	
۱. «آینده‌پژوهی در عرصه اجتماعی و فرهنگی با تکیه بر نهج‌البلاغه»	احمد محتشمی (۱۳۹۶ش)
۲. «پژوهشی در آینده‌نگری امام علی(ع) در اندیشه و عمل»	مریم لعل سازگاری (۱۳۹۶ش)
ب: کتاب‌های مرتبط با گفتمان «آینده‌نگری مهدوی»	
۱. «آینده و آینده‌سازان (ارزیابی تحولات آینده جهان و نقش ایرانیان در ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف)	محمد دشتی (۱۳۷۵ش)
۲. «آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)	رحیم کارگر (۱۳۸۵ش)
۳. «آینده جهان در نگاه ادیان»	آیت قنبری (۱۳۸۶ش)
۴. «عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام (پژوهشی در انقلاب جهانی امام مهدی (عج))»	محمد حکیمی (۱۳۷۴ش)
۵. «نظریه‌پردازی درباره آینده جهان»	علی اصغر رضوانی (۱۳۸۶ش)
۶. «مهدویت و آینده‌پژوهی»	مجموعه مقالات (به مدیریت آقای رحیم کارگر چاپ شده است) (۱۳۹۲ش)
۷. «مهدویت و آینده جهان: مبانی اعتقادی و موعودگرایی در ادیان»	توسط انتشارات نهاد نمایندگی در دانشگاه‌ها در سال ۱۳۹۳ چاپ شده

است.	
۸. «گفتمان جهانی مهدویت و آینده بشر»	توسط قنبر علی صمدی، ۱۳۹۵ش
۹. «درس‌نامه مهدویت؛ آینده جهان و جهانی شدن»	از آقای رحیم کارگر (۱۳۹۹ش)
پ: مقالات مرتبط با گفتمان «آینده‌پژوهی مهدوی»	
۱. «آینده‌پژوهی مهدوی»	رحیم کارگر (۱۳۸۸ش)
۲. «تجلی نام امام مهدی(عج) بر ساخت واقعیت آینده»	علی اصغر پورعزت (۱۳۹۱ش)
۳. «مهدویت و آینده‌پژوهی»	شاکری - شاهرخی (۱۳۹۲ش)
۴. «مهدویت پژوهی و آینده‌پژوهی: تشابهات و تمایزات»	غلامرضا بهروزی لک (۱۳۹۲ش)
۵. راضیه علی اکبری (۱۳۹۲ش)	راضیه علی اکبری (۱۳۹۲ش)
۶. «بایسته‌های علمی در آینده‌پژوهی مهدوی»	حامد پور رستمی در سال ۱۳۹۲ش
۷. «تحلیلی کارکردگرایانه بر آموزه‌های متعالی مهدویت از نگاه آینده‌پژوهی»	سعید قربانی (۱۳۹۲ش)
۸. «درآمدی بر آینده‌پژوهی فرهنگی-تمدنی انقلاب اسلامی در پرتو اندیشه حق مدار مهدویت»	مطهری‌نژاد و همکاران در سال (۱۳۹۴ش)
۹. «نور مهدی، هدایتگری از فراسوی آینده»	علی اصغر پور عزت و همکار (۱۳۹۲ش)
۱۰. «بررسی نظام کارکردهای آینده‌پژوهی در تبیین آموزه‌های مهدویت»	کاشف- گلناری آذر (۱۳۹۴ش)
۱۱. «مدیریت دانش مهدویت پژوهی با کاربست دانش آینده‌پژوهی»	حسین الهی‌نژاد (۱۳۹۸ش)
۱۲. سنت پژوهی؛ رویکردی نوین به آینده پژوهی مهدویت	افضالی، پورعزت و گودرزی. (سال انتشار؟)

۷-۱-۴. تأملی از جمع‌بندی گونه‌های مبنا گروی در آینده‌پژوهی اسلامی

در مطالعات حوزه آینده‌پژوهی اسلامی، باید سه معنی متمایز را مدنظر قرار دهیم؛ یکم) آینده‌پژوهی در قلمرو اسلام. دوم) آینده‌پژوهی از نگرش اسلام. سوم) آینده‌پژوهی اسلامی. در نگاه نخست، چه بسا، امکان ارائه آثار و مطالعاتی پیرامون آینده‌پژوهی در قلمروی جهان اسلام ارائه شود اما لزومی ندارد که نسخه‌ای منطبق بر مبانی معرفتی و منظومه‌ای تفکرات اسلامی واقع گردد و چه بسا، التقاطی و معطوف دستاوردهای

آینده‌پژوهی غربی باشد. آینده‌پژوه مسلمان در این سطح از مطالعه آینده، لزومی نمی‌بیند که انباشته‌های ذهنی خویش را به‌طور کامل، با منظومه معرفتی اسلامی بنیان بگذارد. لذا در این میان، امکان فروغلتیدن در تفکرات برگرفته از منابع مختلف و غیر اسلامی دور از ذهن نیست.

اما در سطح دوم، آینده‌پژوهی از نگرش اسلام، به واکاوی امکان تحقق آینده بر اساس گزاره‌های درونی متون دینی می‌پردازد. برای نمونه می‌توان به «آینده‌نگری قرآنی»، یا «آینده‌نگری حدیثی» نیز اشاره نمود. در این سطح از مطالعه آینده‌پژوهی، بایستی از رهگذر سازوکاری مشخص، مفاهیم دینی را به‌نوعی با مفاهیم مدرن، همسان‌سازی یا معادل‌یابی کنیم. از سویی دیگر، این سطح از نگرش آینده‌پژوهی از نگاه اسلام، به ضرورت کارآمد و منطبق بر واقع نیست بلکه از رهگذر متون نقلی تاریخی به دنبال دستیابی آرمان فردای تاریخ بشریت است. هرچند، آثاری که پیرامون آینده‌پژوهی مهدوی صورت پذیرفته، با در نظر داشتن کم و کیف بهره‌مندی از مبانی معرفت دینی، می‌تواند در خدمت تبیین و ترویج و عملیاتی سازی آموزه‌های مهدویت در دنیای کنونی نیز، قرار گیرد.

اما در نگرش سوم، آینده‌پژوهی اسلامی، برنامه‌ای کارآمد و جامع منطبق با مبانی معرفت‌شناختی و جهان‌بینی اسلامی از درون گفتمان متون و منابع اصیل دینی است. این سطح از آینده‌پژوهی، مستلزم در نظر گرفتن بسیاری از ملاحظات «مفهوم‌شناختی»، «معرفت‌شناختی»، «منبع‌شناختی» و «روش‌شناختی» است. به عبارتی، به لحاظ «مفهومی»، بایستی مرز میان مفهوم «اسلامی بودن آینده‌پژوهی»، با سایر مفاهیم هم‌آوای آن، مشخص باشد. به لحاظ «معرفتی»، مؤلفه‌ها، شاخصه‌ها، الزامات اجرایی آن، روشن شود. به لحاظ «منبع‌شناختی»، از منابع معتبر و مشترک فریقین، جهت نیل به نسخه آینده‌پژوهی اسلامی استفاده گردد. به لحاظ «روشی» نیز، سازوکارها و راهبردهای اجرایی و شیوه‌های بهره‌گیری آن از ساحت نظری و عملی ارائه گردد.

وجه تمایز نگرش دوم و سوم در آن است که «اسلامی بودن آینده‌پژوهی»، در رویکردی پیشدستانه به دنبال استخراج مفاهیمی از متون دینی است که از رهگذر دلالت‌های مختلف (مطابقی، تضمینی و التزامی) به آینده‌پژوهی اسلامی، نظارت یا ارتباط

دارند. اما در نگاه سوم، به دنبال عرضه و سنجش «مفاهیم، معیارها و قواعد رایج آینده‌پژوهی» با «معیارهای اسلامی» هستیم (رک: پدرام، احمدیان، ۱۳۹۴: ۳۱-۳۵). در این مورد نیز، استخراج مفاهیم مرتبط با آینده‌پژوهی دو نوع است، یک بار، مفاهیم ناظر به آینده به صورت مستقیم و موضوعی از درون متون دینی، ارائه می‌شود و یک بار نیز، مفاهیم مدرن، بدون هیچ‌گونه سابقه‌ای علمی اما با ارائه سازوکارهایی روشمند به متون دینی، عرضه می‌شوند و نسبت این نوع مفاهیم مدرن و نوپدید، با متن دینی، معادل‌یابی و واژه‌گزینی می‌شوند. در ساحت دوم، نسخه آینده‌پژوهی دینی را قطع نظر از قیدوبندهای تعریفی و مبانی آینده‌پژوهی غربی ارائه می‌کنیم. اما در ساحت سوم، نسخه آینده‌پژوهی اسلامی را در چگونگی نسبت «مفاهیم، مبانی و اصول آینده‌پژوهی غربی» با «مبانی و منابع و روش‌های دینی-اسلامی» می‌سنجیم. گستره کارکردی در نگرش دوم، درون دینی، ملی و بومی است اما در نگرش سوم، برون دینی، فراملی و فرابومی. دومی ناظر به فضای آرمانی و غیر کنونی است اما سومی با حفظ آرمان و آینده، به واقعیت ناظر است.

۸. نقاط انتقادی مطالعات آینده‌پژوهی اسلامی

به‌رغم آنکه، آینده‌پژوهان مسلمان، تلاش‌ها و دغدغه‌های بسیار نیکویی را در جهت ارائه ابعاد آینده‌پژوهی اسلامی، مبذول داشته‌اند که در آثار مختلفی می‌توان بازجست اما به‌رحال رویکرد این مقاله به دنبال کاستی‌ها، ضعف‌های موجود در این حیطه مطالعاتی است که رفته‌رفته موجب بهبود پژوهش‌های آتی شود.

با این همه، به بیان ملاحظاتی در این باره اشاره می‌شود:

۸-۱. ضعف در «معنای اسلامی بودن آینده‌پژوهی»

گرچه، آینده‌پژوهان مسلمان، به وجه تمایز تعریفی، میان مفاهیم «آینده‌پژوهی، آینده‌اندیشی و آینده‌نگری و...» توجهی نیکو، نشان داده‌اند (رک: خرائی، ۱۳۹۲: ۲۴۰؛ پدرام، عیوضی، ۱۳۹۵: ۵-۸؛ احمدیان، ذوالفقار زاده، ۱۳۹۸: ۱۳-۱۴). اما از پرداختن به معنا و معیارهای «اسلامی-دینی بودن آینده‌پژوهی»، اجتناب و یا به‌راحتی، گذر کرده‌اند. هرچند امکان دارد

این نکته به ذهن خطور کند که «معنای اسلامی یا دینی بودن آینده‌پژوهی»، به خودی خود، آشکار است، اما نوعی سهل ممتنع می‌نماید که با پی‌جویی سؤالات زیر، شفاف‌سازی و رمزگشایی ابعاد تعریفی آن را در این حوزه مطالعاتی، بیش‌ازپیش نمایان می‌کند. سؤالاتی نظیر: «اسلامی-دینی بودن» آینده‌پژوهی به چه معنی است؟ به‌صرف به‌کارگیری چند آیه یا روایاتی از منابع معرفت‌بخش نقلی اسلامی، آینده‌پژوهی، اسلامی یا دینی می‌گردد؟ آینده‌پژوهی اسلامی بر پایه کدام یک از قرائت‌های موجود درون مکتبی اسلام (به لحاظ توصیفی یا توصیه‌ای) مدنظر است؟ نسخه آینده‌پژوهی اسلام، چه مراحل، جنبه‌ها، فرآیند و سازوکارهایی معرفت‌شناختی و روش‌شناختی دارد؟

کدام یک از قرائت‌های اسلام‌پژوهی، دیدگاهی فراگیر، جامع و کارآمدی را به‌تناسب زمان و مکان و محیط ارائه می‌دهد؟ چه تفاوت یا تشابهاتی میان علوم متعارف حوزه‌های علمیه با «اسلامی-دینی بودن آینده‌پژوهی» وجود دارد؟ جایگاه، نقش و نقشه معرفتی علوم برآمده از حوزه‌های علمیه، در نسخه آینده‌پژوهی اسلامی کجاست؟ بایستگی‌های معرفتی و کاربردی در اسلامی-دینی بودن آینده‌پژوهی چیست؟ اصولاً چه تمایزی میان دو مفهوم «اسلامی» یا «دینی» بودن آینده‌پژوهی از هم وجود دارد؟ نسبت آینده‌پژوهی الهی با سایر عناوین مزبور چگونه است؟ به عنوان مثال اگر پژوهشگری بخواهد بدون تکیه‌بر این اصطلاحات به نسخه‌ای جدید نیز دست یابد که اثربخشی بهتری از آینده‌پژوهی رایج اسلامی به ارمغان آورد، خواسته یا ناخواسته، باید چگونگی نسبت انتخاب عناوین خود را با تعابیر مزبور آشکار نماید. هرچند پاسخگویی به سؤال‌های مزبور، با گفتگوهای چالش‌برانگیزی چون «علم دینی» یا «علوم انسانی اسلامی» ارتباطی ناگسستنی برقرار می‌کند. اما به نظر می‌رسد، برای رسیدن به تصور و معیاری مناسب در جهت اسلامی بودن آینده‌پژوهی، بازکاوی تعریفی این مفاهیم، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است.

۸-۲. نیاز به تأمل دقیق‌تر در معنای «آینده‌پژوهی اسلامی و نظایر آن

نظر به آنکه عناوین و کاربست‌های مختلفی در مطالعات آینده‌پژوهی اسلامی از سوی آینده‌پژوهان مسلمان، نام‌گذاری شده که هم به لحاظ مفهومی و هم به لحاظ کاربردی از

هم قابل تمایزند. اما وجه نسبت عناوین «آینده‌پژوهی اسلامی» با «آینده‌پژوهی دینی» و «آینده‌پژوهی قرآنی» همچنین «آینده‌پژوهی حدیثی (علوی و مهدویت)» با «آینده‌پژوهی الهی» به طور دقیق روشن نیست؟! نسبت این موارد با یکدیگر از چه نوعی است؟ کدام اصل و متبوع است و دیگری فرع و تابع؟ این نکات از آن رو است که کاربرد «اسلام» یک عنوان جامعی است که انواع گزاره‌های معرفت‌شناختی، منبع‌شناختی و روش‌شناختی «نقلی، عقلی، تجربی و شهودی» را با هم در برمی‌گیرد. اما در کاربرد «آینده‌پژوهی قرآنی یا حدیثی» به ضرورت این نکته‌ی مهم، مندرج نیست.

به عبارتی، بخشی از نسخه آینده‌پژوهی اسلامی، گزاره‌های نقلی (قرآنی و حدیثی) است و بخشی دیگر آن، داده‌های تجربی و شهودی (عقلی و قلبی). با وجود آنکه هویت اصلی دین اسلام در تمامی جهان با «قرآن کریم» شناخته می‌شود اما خواسته یا ناخواسته، گستره کاربست «اسلام-دینی بودن آینده‌پژوهی»، بسیار گسترده‌تر از سایر قیده‌های «قرآنی» یا «حدیثی» آن است. این مطلب به این معنی است که آینده‌پژوهان مسلمان در به‌کارگیری تعبیر و الزامات و ملازمات و ملزومات هر یک از آن‌ها، بایستی بسیار توجه نمایند.

۸-۳. روشن‌سازی معیارهای اسلامی بودن مطالعات آینده‌پژوهی

با وجود آنکه «اسلام» به‌مثابه یک سیستم و دین جامع به شمار می‌آید که جنبه‌های مختلف نگرشی، بینشی، تاریخی، توصیفی، ارزشی و توصیه‌ای را با هم داراست، «اسلامی بودن آینده‌پژوهی»، فقط منحصر در یک شاخص و معیار ویژه می‌شود؟ اصولاً چه ویژگی‌ها و معیارهایی برای دانش و تولید نظریه اسلامی بودن آینده‌پژوهی، قابل بازجستن است؟ التزام و داشتن معیارهای دانش اسلامی، کارکردی دوسویه دارد؛ هم عامل سنجش آثار و جهت‌بخشی به دستاوردهای آینده‌پژوهان مسلمان است و هم باعث جلوگیری از خطوط انحرافی و التقاطی جریان‌های فکری آینده‌پژوهی اسلامی می‌شود.

آنچه به طور کلی لازم به تأمل است، «آینده‌پژوهی»، زمانی می‌تواند به وصف «اسلامی» منتسب و مستند شود که خواسته یا ناخواسته دارای معیار و سنجه اندازه‌گیری باشد. در غیر این صورت، هر کسی داعیه‌دار بازنمایی اسلامی سازی آینده‌پژوهی خواهد بود.

بدین‌سان، بهره‌جویی صرف از داده‌های منابع نقلی (قرآن و حدیث) به مانند مهم‌ترین «آجرها و ستون‌های اصلی» نقشه آینده‌اندیشی اسلامی، فقط بخشی از جورچین معرفتی یا سازه ارزشی آن تلقی می‌شود. این معیارها که در گام نخست، منطبق یا برآمده از «بنیان‌های نظری اسلام»، «متون اصیل و منابع معرفتی اسلام»، «مسائل و موضوعات اسلامی» و «بهره‌جویی از روش‌های معتبر علمی و دینی» است (رک: شریفی، ۱۳۹۳: ۱۷۰-۱۹۵)، امکان استناد و اتصاف اسلامی بودن را فراهم می‌کند. در این معنی، لزومی ندارد که مسائل بسیار خرد و جزئی آن‌ها نیز، در متون و منابع دینی آمده باشد یا حتی توسط عالمان و آینده‌پژوهان مسلمان تولید شده باشد. یا به طور اساسی موضوعات و مسائل آن‌ها به متون و منابع دینی، ناظر باشند.

آنچه مهم است؛ چارچوب آن نظریه و گزاره، بر پایه پیش‌فرض‌ها و بنیان‌های نظری اسلامی شکل بگیرد. هر چند که این مفروضات در خود دانش آینده‌پژوهی اسلامی، مورد بحث قرار نمی‌گیرند بلکه به اصطلاح در زمره مباحث «اصول موضوعه و مبادی تصدیقیه‌ای» به شمار می‌آیند که در دانش‌های اصول فقه، معرفت‌شناسی، کلام استدلالی، فلسفه، منطق و تفسیر مورد پی‌جویی دانشمندان مسلمان واقع می‌شوند. با تکیه به این مطلب، در مطالعات آینده‌پژوهی، تحلیل‌ها، بررسی‌ها و پیش‌بینی‌ها و دستورالعمل‌های آن‌ها بر پایه مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، ارزش‌شناختی اسلامی است. این پیش‌فرض‌ها و بنیان‌های نظری اسلامی، به طور اساسی تأثیر فراوانی در نظریه‌ها و مسائل دانش آینده‌پژوهی می‌گذارد. برای نمونه، چگونگی التزام به واقع‌گرایی یا نواقع‌گرایی، توحیدباوری یا الحاد، الهی دانستن روح انسانی یا مادی‌انگاری وجود انسان، پذیرش حیات جاودانه یا انکار آن، نقش سنت‌های خداوند در عالم، نقش اراده انسان در تحقق آینده، تأثیر غیرقابل‌انکاری بر تحلیل کنش‌ها، موضع‌گیری‌های آینده‌پژوه برجای می‌گذارد. زیرا در جهان‌بینی الهی و التزام به پیش‌فرض‌های اسلامی، آینده‌پژوهان مسلمان را به مجموعه‌ای از تعهدات و الزامات عملی برمی‌انگیزاند که به او اجازه طرح هر موضوعی را نمی‌دهد.

به تعبیری، انتساب آینده‌پژوهی به اسلام، در این مرحله، تشکیکی و دارای مراتبِ عرضی است. به این معنی که سنجش دستاوردهای آینده‌پژوهان مسلمان به «اسلام»، همواره در یک سطح، قابل‌اندازه‌گیری نیست بلکه هر گزاره‌ای که تناسب، هماهنگی و سازگاری بیشتری با آن معیارهای چهارگانه مزبور را داشته باشد، در همان حد و اندازه، تصویری از چهره و نسخه‌ای از آینده‌پژوهی اسلامی را به نمایش می‌گذارد.

این مطلب به این معنی است که در ضمن سازگاری با مجموعه‌ای از معیارهای اسلامی بودن آینده‌پژوهی اما هر کدام از این معیارها نیز، می‌توانند به طور مستقل، تصور و تصویری از نسخه آینده‌پژوهی را ارائه کنند. البته ممکن است پاره‌ای از نظرات و دستاوردها، با تعداد بیشتری از این معیارها، همپوشانی و سازگاری داشته باشند؛ در این صورت، ارائه هر گزاره‌ای که پیوند و هماهنگی بیشتری با این معیارها برقرار نماید، «اسلامی‌تر» است. به این معنی که با قاطعیت بیشتری می‌توان آن گزاره را به اسلام منتسب و مستند نمود.

یعنی اگر آینده‌پژوه مسلمان، در بهره‌جویی از متون دینی، محور پژوهش خویش را فقط بر «آیات قرآنی» و یا «روایات» یا ترکیبی از هر دو بگذارد، در همان حد و اندازه، آینده‌پژوهی به وصف اسلامی، متصف است اما هرگز به معنای «پیام کامل و نهایی» در اسلامی بودن آینده‌پژوهی نیست. و اگر با «بنیان‌های نظری» خود، با اسلام سازگاری داشته باشد، در همان حد می‌توان آن را اسلامی دانست. و اگر کوشش فراوانی در همسازی با تمامی آن معیارهای مزبور اسلامی باشد، «علم و نظریه تولیدی» نیز، اشتراک، قرابت و نسبت بیشتر و قوی‌تری با اسلام دارد و می‌توان با قاطعیت بیشتری، آن نظریه را پیام نهایی و کامل اسلامی تلقی نمود.

۴-۸. کم‌فروغ‌بودن مطالعات روش‌شناسی و ابداع روش نو

با نظر به آنکه، مطالعات آینده‌پژوهی اسلامی، از جمله گفتگوهای نوپدید در جهان معاصر، تلقی می‌شود، مباحث «روشی» و «روش‌سازی اسلامی»، آن‌گونه که شایسته است در کانون توجهات آینده‌پژوهان مسلمان، قرار نگرفته است. هرچند که برخی از رهگذر

مؤلفه‌سازی معنایی، «روش‌های مشابهی» را در امتداد مهم‌ترین روش‌های رایج آینده‌پژوهی، معرفی کرده‌اند (رک: پدرام، احمدیان، ۱۳۹۴: ۵۷؛ خزانی، ۱۳۹۲: ۲۴۸-۲۵۰؛ احمدیان، ذوالفقارزاده، ۱۳۹۸: ۲۹۵-۳۰۱؛ کارگر، ۱۳۹۴: ۱۲۸-۱۳۴) و یا برخی در رویکردی نوآورانه، روش «آیه پژوهی» را به‌مثابه الگوی پژوهشی نوینی، مطرح می‌کنند (احمدیان، ذوالفقارزاده، ۱۳۹۹: ۱۵-۷۵). در این روش، مفهوم آیه تنها محدود به مجموعه‌ای واژه در قالب آیات قرآن نیست بلکه مصادیق آیات در جغرافیای زمانی و متن قرآنی، بسیار گسترده است (احمدیان، ذوالفقارزاده، ۱۳۹۸: ۶۸). آیه‌پژوهی، پژوهشی آینده‌نگر است که بندگان را به رفتار پسندیده در قبال آیات الهی می‌کشانند. این سبک از آینده‌نگری، آینده‌نگری بر پایه آیات الهی است؛ آیاتی که نشانه‌ای از چگونگی آینده‌سازی الهی هستند. با مطالعه یک پدیده که خدا آن را آیه نام نهاده است می‌توان به ابعاد پدیده‌ای دیگر نیز، پی بُرد که قرار است در آینده باشد. برای مثال، عذاب اقوام پیشین، نشانه یا نمونه‌ای از عذاب آخرت است. در این حالت، خدا با منطق و نظام مشخصی این عذاب‌های پیشین را محقق کرده است و عذاب آخرت نیز از قوانین و نظام مشابهی برخوردار خواهد بود.

به‌رغم آنکه بخش بزرگی از سوره‌های قرآن به تبیین سرگذشت اقوام و عذاب‌های آنان اختصاص یافته، اما ذکر جزئیات این کیفی‌ها وجوه مختلفی دارد. از جمله آن‌ها ارتباط گذشته با آینده از طریق مفهوم «آیه» است. بنابراین یک الگوی روشی قابل مقایسه با آیه‌پژوهی، روندپژوهی است. در روندپژوهی، الگویی از رخداد‌های گذشته و حال به آینده بسط داده می‌شود. در این روش، ابتدا فرض می‌شود که آینده، امتدادی از روند گذشته و حال باشد. سپس فرض‌هایی برای تداوم روند و تغییر آن نیز بررسی می‌شود. درنهایت از برهم نهادن چند روند، تصویر یا تصاویر بدیلی از فضای آینده به دست می‌آید و در فضای این تصاویر و تحلیل‌ها، راهکارهایی نیز پیشنهاد می‌شود. اما در آیه‌پژوهی، آینده همان امتداد گذشته فرض نشده بلکه تصویری از گذشته یا حال، به زمانه‌ای جلوتر تعمیم داده می‌شود. در تصویرسازی از آیات، سخن از امتداد یک پدیده از گذشته به آینده نیست بلکه تکرار گونه‌ای کامل‌تر از آن پدیده مطرح می‌شود (همو، ص ۶۸-۷۰).

روش مزبور که ظرفیت توسعه عملی در مطالعات پسین را دارد گرچه در نوع خودش نوآورانه و ارزشمند به شمار می‌رود، اما برای رونمایی از نسخه آینده‌پژوهی اسلامی، مستلزم توسعه روش‌سازی در این حیطه هستیم. به عبارتی، تا رسیدن به نقطه مطلوب، فراگیر و راهبردی، گام‌ها و فاصله زیادی وجود دارد. ناگفته نماند که در گفتگوهای روشی، دو حیطه از هم مستقل در بحث قابل پی‌جویی است:

یکم) جایگاه و نقش روش‌های رایج آینده‌پژوهی در مطالعات آینده‌پژوهی اسلامی با توجه به تنوع و تقابل روش‌ها.

دوم) چگونگی تولید و ساخت روش از منابع معرفت بخش دینی و کاربرد فراگیر آن در این حوزه مطالعاتی.

با توجه به آنکه «روش»، اصولاً به مثابه راه رسیدن به هدف به شمار می‌آید چگونگی پیمودن این مسیر برای نیل به نسخه آینده‌پژوهی اسلامی، بسیار حائز اهمیت است. به عبارتی، چه معیاری برای تمایز «روش اسلامی و غیر اسلامی» وجود دارد؟ در چه صورتی «روش»، قابلیت پسوند‌های اسلامی یا اسلامی بودن را خواهد داشت؟ «روش» به طور اساسی می‌تواند متصف به وصف اسلامی باشد؟ یا روش‌های برآمده از متون دینی (آیات قرآن و حدیث)، امکان فراگیری و عمومی‌سازی دارد؟ هرگونه روشی را می‌توان برای مطالعات آینده‌پژوهی - فارغ از الزامات معرفتی - در محیط و روش اسلامی در نظر گرفت؟ بهره‌جستن از «روش»، به طور حتمی بایستی از درون گفتمان آینده‌پژوهی اسلامی، برخاسته باشد؟ نقش سایر روش‌های آینده‌پژوهی رایج در این میان، کجاست؟ نسبت روش‌های آینده‌پژوهی رایج با روش‌های برآمده از مطالعات اسلامی چگونه است؟ این ملاحظات، از آن جهت است که بهره‌جستن از روش‌های مشخص، عامل کارآمدی، سامان‌بخشی و عملیاتی‌سازی در این حوزه مطالعاتی را به ارمغان می‌آورد.

۵-۸. ضعف در بازنمایی منابع و ادله بینامدھبی یافته‌های علمی

بامطالعه در آثار حیطه آینده‌پژوهی اسلامی، آینده‌پژوهان مسلمان، آن‌گونه که بایسته

است، هنوز به‌سوی بهره‌جویی از «منابع و ادله بینامذهبی» توجهی جدی، نشان نداده‌اند. مقصود از ادله بینامذهبی / فرقه‌ای به آن دسته از گزاره‌های مستند، مشترک و مقبولی گفته می‌شود که از رهگذر سازوکارهای علمی و عقلی، می‌تواند در مطالعات آینده‌پژوهی اسلامی بکار گرفته شوند، به این معنی که آینده‌پژوه مسلمان برای رسیدن به یک نظریه‌ای اسلامی، باید از رهگذر منابع معتبر و ادله لازم، تمام کوشش‌های خود را انجام دهد و کارآمدترین و جامع‌ترین آن‌ها را بدون پیش‌انگاره‌ها و تعصبات مذهبی، انتخاب نماید.

این نکته به این معنی است که نه‌تنها بایستی کوشش‌های بیشتری در بازنمایی بهره‌جویی از منابع مشترک بینامذهبی مبذول داشت بلکه رشته و نظریه‌ای نیز به‌طور کامل دارای شاخصه‌ای اسلامی بودن است که محصول مشترک و مورد توافق «منابع معرفتی و روایی فریقین» باشد. با توجه به آنکه برخی از منابع و ادله اسلام‌پژوهی، مانند «قرآن کریم» و بهره‌جویی از «احادیث نبوی (ص)» نزد تمامی مذاهب و فرقه‌های اسلامی مشترک است اما در به‌کارگیری سایر ادله مانند «روایات صحابه و روایات امامان شیعه، قیاس و...» اختلاف چشم‌گیری وجود دارد. باین‌همه، مهم‌ترین دستاورد به‌کارگیری ادله بینا فرقه‌ای را می‌توان در «بسترسازی فضای ذهنی مشترک» و «بینا‌ذهانی بودن ادله و مستندات» و «فراگیری و پذیرش حداکثری» بازجست.

این مطلب از آن‌روست که هرگاه نسبت به یک گزاره اسلامی، میان محققان مسلمان، هماهنگی و همسویی بیشتری وجود داشته باشد، بی‌شک فراگیری، پذیرش، اثرات و کارکردهای آن در ابعاد مختلف اجتماعی، فرمانطقه‌ای، تمدنی و جهانی فزونی خواهد یافت. برای نمونه، می‌توان به «گفتمان مهدویت در متون روایی فریقین» اشاره کرد که ادله بینامذهبی و منابع معرفتی شیعه و سنی، بارها بدان پرداخته‌اند. هرچند که آبخور «آینده‌پژوهی مهدویت» به‌مانند آئینه تمام‌نمای پیش‌بینی‌ها و آینده‌نگری حتمی، فراگیر و مطلوب دین اسلام، از «منابع معرفت‌بخش روایی امامیه» ارائه می‌شود اما با اندکی جستجو در سایر منابع روایی اهل تسنن نیز، می‌توان «مستندات و دلایل بینا فرقه‌ای» را برای ایجاد «فضای گفتمانی مشترک» و «بینا‌ذهانی بودن آن» در راستای سیاست‌گذاری‌های فرمانطقه‌ای

و تمدنی برای آینده‌پژوهان مسلمان و تصمیم‌گیران اجرایی بازجست.^۱

۸-۶. نامعلوم بودن نقش تجارب و دستاوردهای بشری

از نقاط چالش‌برانگیز مطالعات آینده‌پژوهی اسلامی، که کمتر از ماهیت، نقش و اثرگذاری آن سخن به میان می‌آید، نسبت کارکرد «تجارب و دستاوردهای بشری» با «آینده‌پژوهی اسلامی» است. مقصود از تجارب و دستاوردهای بشری اعم از نقش فناوری دینی است (رک: مطیع، ۱۳۹۶: ۲۴۱؛ پدرام-عیوضی، ۱۳۹۵: ۵۲-۹۰)، و به مجموعه از معلومات و اندوخته‌های گفته می‌شود که انسان در مسیر زندگی خود و در مواجهه با امور و مسائل مختلف به دست می‌آورد. این انباشته‌ها و اندوخته‌ها، فراتر از یک سری حدس و گمان و امور ظنی هستند و به شرط قطعیت، قابل استفاده در مسیر فهم و تبیین علوم به شمار می‌روند (قرائی سلطان‌آبادی، ۱۴۰۱، ۱۲۲). بایسته بیان است که در این معنی سازگاری دستاوردها، تجارب و فناوری نوین با معیارهای اسلامی سازی آینده‌پژوهی مهم است نه تولیدکننده یا سازنده آن؛ به عبارتی، چه بسا تولیدکننده فناوری‌های نوین یک فرد غیرمسلمان نیز باشد، اما به خاطر موافقت یا عدم مخالفت با شرایط یا معیارهای اسلامی، قابل پذیرش‌اند.

برای نمونه فناوری خودرو و مکانیک به شرط آلاینده نبودن محیط‌زیست. به عبارتی، هر نوع فناوری غیردینی را که موجب سودرسانی به آحاد مردم در محیط اجتماع دینی شود، می‌توان با تبدیل وضعیت کاربری از آن بهره‌جست. به صورت اساسی در مواجهه با تمامی دستاوردهای مدرنی که برآیند ورود قهری فناوری‌های غیردینی از کشورهای توسعه‌یافته به جوامع مسلمان است، باید بهره‌گیری هم‌زمان از یافته‌های فناوری را به صورت «گزینشی و مولد» سرمشق خود قرار دهیم. به صورتی که در یک مرحله باید به جذب فناوری‌های

۱. زیرا نخستین کسی که پایه‌گذار مفهوم انتظار و گفتمان مهدویت بود، خود حضرت رسول (ص) است (رک: ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹، ۸۰۶۷۹، حنبل، ۱۴۱۹ق: ۱، ۸۶ این ماجه، بی تا: ۱۲: ۲۵۵). به رغم اختلافات اندکی که نسبت به زمان میلاد حضرت مهدی (عج)، میان دانشمندان شیعی و سنی وجود دارد (موسوی، ۱۴۲۲ق: ۱۵؛ اکبرنژاد، ۱۳۸۸ش: ۲۰۳) اما اتفاق نظر فراوان و گزاره‌های نقلی پرشماری در منابع فریقین در خصوص نَسَب، شرایط، علائم و نشانه‌های ظهور آن حضرت، انعکاس یافته است (برای توضیح بیشتر رک: همو، ص ۱۲۰؛ فقیه ایمانی، ۱۴۰۲: ۱، ۱۲-۷۴؛ اکبرنژاد، ۱۳۸۸ش: ۱۰۷-۲۰۵).

نویسن به روش‌گزینشی و انتخابی‌بپردازیم به گونه‌ای که با منظومه معرفتی اسلامی، سازگاری داشته باشد. و در مرحله دیگر، به تولید فناوری‌های نویسن با نسخه بومی آن، اهتمام ورزیم (رک: مطیع، ۱۳۹۶: ۲۴۱).

گرچه، شمار قابل توجهی از آینده‌پژوهان مسلمان، از تأثیر فناوری و دستاوردهای بشری در آینده‌پژوهی اسلامی، سخنی به میان نیاورده‌اند. اما برخی، فقط از امکان برقراری «ارتباط فناوری با دین» یا «فناوری دینی» سخن گفته‌اند (پدرام، عیوضی، ۱۳۹۵: ۸۸-۸۹) و برخی نیز با عطف نظر به چگونگی پذیرش برخی مفروضات و روش‌های آینده‌پژوهی رایج (فناورهای مدرن) عنایت داشته‌اند (احمدیان، ذوالفقار زاده، ۱۳۹۸: ۵۶-۵۷). این در حالی است که ماهیت این فناوری دینی، انواع و اجزای قوام آن و به طبع اثراتی که می‌تواند در نسخه «آینده‌پژوهی اسلامی» داشته باشد، توضیحات آن‌چنانی مشاهده نمی‌شود.

این مطلب از آن‌روست که با عطف نظر به قرائت‌های مختلف از نسخه آینده‌پژوهی اسلامی، عدم بهره‌جویی از ابزارهای مدرن فناوری (چه در ابعاد نرم‌افزاری و چه در ابعاد سخت‌افزاری)، نه تنها تصویری ناکارآمد از نسخه آینده‌پژوهی اسلامی را عرضه می‌دارد بلکه شکل‌گیری آن در مقام تحقق نیز، به طور اساسی با آسیب‌های فراوانی روبروست این مطلب زمانی از اهمیتی دوچندان می‌نماید که متولی سیاست‌گذاری و مدیریت اجرایی جامعه دینی، باید به تناسب نیازهای زمانه و روابط اجتماعی، نسخه کارآمد و فراگیری را از «دین» ارائه کند که بتواند تمامی گستره زندگی اجتماعی را پوشش دهد. با این همه، از حلقه‌های مغفول در فرآیند مطالعات محققان آینده‌پژوهی، چگونگی ارتباط «تجارب و دستاوردهای انسانی با آینده‌پژوهی اسلامی» است. تجارب و دستاوردهای بشری، به لحاظ چارچوب‌های شناختی و هنجاری، نقش انکارناپذیری را در شناسایی و گشودن ابعاد جدیدی از نسخه آینده‌پژوهی اسلامی با خود به ارمغان می‌آورد.

۸-۷. عدم معرفی سازوکارهای روش‌شناختی در ارائه نظریه

آنچه آشکار است، گزاره‌ها، کلیدواژه‌های گوناگون، نظرات آینده‌اندیشی به صورت

پراکنده در منابع و متون دینی انعکاس یافته است. کاری که محقق آینده‌پژوهی، در این میان، انجام می‌دهد، کشف و تحلیل آن «گزاره و نظریه» و ارائه آن به جامعه علمی و نخبگانی است. به تعبیری، در فرآیند «اکتشافِ نظر و نظریه»، محقق آینده‌پژوهی در آغاز، به مانند جوینده گنج می‌ماند که از رهگذر «نقشه راه»، می‌تواند کم و کیف مسیر، ابزار و ره‌توشه‌های لازم را مورد شناسایی قرار دهد. به نوعی که پس از ترسیم و اطلاع از موقعیت گنج - تعیین مسئله خود و جایابی آن - آرام‌آرام از روی زمین، خاک‌ها را کنار می‌زنند تا درنهایت به گنج و مقصود خود برسند.

اما در مرحله «ابداع و تولید»، مانند مهندس و معماری می‌ماند که بنیان‌ها و پایه‌های ساختمان را خودش طراحی می‌کند و سپس طبقات مختلف ساختمان را روی آن می‌چیند (شریفی، ۱۳۹۶: ۲۸۶). از این رو، داشتن نقشه دقیق و ارائه سازوکارهای روش‌شناختی برای کشف نظریه‌پردازی در حیطه آینده‌پژوهی اسلامی، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. محقق آینده‌پژوه، خواه ناخواه بایستی به این سؤال مقدر، پاسخ دهد که برای انتساب و ایجاد نظریه در آینده‌اندیشی اسلامی چه فرآیندی طی شود؟ سازوکارهای استخراج نظریه از متون و منابع اسلامی پیرامون آینده‌پژوهی اسلامی چگونه است؟ این موارد به این معنی است که نسخه آینده‌پژوهی اسلامی، خواسته یا ناخواسته بایستی از سازوکارها، روش‌ها، فرآیندها، چارچوب‌ها و معیارهایی پیروی کند که ناشی «از» درون متون اصیل و تفکر ناب اسلامی باشد و «با» آن نیز، به طور کامل هماهنگ باشد و دست‌کم مخالف نباشد. توجه به مرزبندی مزبور، از آن جهت است که هر یک از آینده‌پژوهان مسلمان، خوانش متمایزی را نسبت با سایر محققان این عرصه، ارائه می‌کنند که چه‌بسا گاهی اوقات، تک‌بعدی و ناقص، و در گاهی موارد نیز، دچار التقاط با هم و گاهی مواقع هم، مکمل یکدیگر باشند.

۸-۸. ضرورت تشکیل «نظام مسائل» در مطالعات آینده‌پژوهی اسلامی

این امر مسلم است که تحقق آینده، نه آرزوکردنی است و نه دستوری یا سفارشی امکان‌پذیر است و نه فقط از طریق مطالعه و گفتگو واقع می‌شود. اگرچه به طور اصولی «آینده»، هنوز وجود خارجی ندارد. درواقع آنچه در مطالعات آینده‌پژوهی، مورد پیش‌بینی و

احتمال سنجی قرار می‌گیرد، ایده‌ها یا تصاویر آینده و احتمال‌سنجی از آینده است. این ایده‌ها و تصاویر، بیشتر ناپایدار هستند و در طول زمان با توجه به فرآیندها، روندها، چالش‌ها، متغیرها و درک افراد و سازمان‌ها از شرایط و آینده تغییر می‌کنند. آینده را نمی‌توان پیش‌بینی کرد بلکه می‌توان به پیش‌نگری آینده‌های بدیل پرداخت و به‌طور مستمر به ساختن چشم‌انداز و ابداع آینده‌های مرجح دست زد (بشیری، ۱۳۹۷: ۹۶).

بدون تردید، کشف مسائل مرتبط با آینده‌پژوهی اسلامی به تناسب شمار اذهان محققان و آینده‌پژوهان، متعدد و متنوع است^۱ و روند تولید دانش و نظریه‌پردازی در آینده‌پژوهی اسلامی، زمانی شکل می‌گیرد که «نظام مسائل» برآمده از چالش‌های اجتماعی و مدیریتی به وقوع بپیوندد. ارائه طرح جامعی از «نظام مسائل آینده‌پژوهی اسلامی»، موجب تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری در این حوزه مطالعاتی است.

هرچند که این مطلب انتظار پیشرفته‌ای از گفتگوهای نوپای آینده‌پژوهی اسلامی است که از رشته‌های با سابقه طولانی نیز، برآورده نشده است. اما در افق آینده‌نگرانه، داشتن نظام مسائل در همه امور علمی-راهبردی نه تنها باعث ایجاد ذهنی منظم و روش‌مند می‌شود بلکه می‌توان به تناسب آن نیز، راهکارهایی را برای برون‌رفت از آن ارائه نمود. بایسته بیان است که ارائه نظام مسائل را نباید از پژوهشگران حوزه آینده‌پژوهی اسلامی توقع داشت بلکه یک برنامه جامع و مشترکی است که بایستی هم‌زمان از تعامل جامعه علمی و حکمرانان اسلامی برخاسته شود.

داشتن نقشه و نظام مسائل، الهام‌دهنده برای پاسخ‌گویی به بسیاری از چالش‌های آینده‌پژوهی و عامل تسریع به شکل‌گیری روند تولید دانش آینده‌پژوهی اسلامی است. به طبع احصاء نظام مسائل آینده‌پژوهی اسلامی، سطوح و ابعاد گوناگونی «کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت» می‌تواند داشته باشد.

۱. این نکته نیز، بایسته بیان است که مسئله‌ها را می‌توان به انواع مختلفی تقسیم نمود: «مسئله‌های تأثیرگذار؛ مسئله‌های تقویت‌کننده مسئله‌های مستقیم؛ مسئله‌های میانی و متوسط، مسئله‌های نتیجه‌بخش و مسئله‌های مستقل» (رک: نظام

دور از ذهن نیست که نظریه‌پردازی، تولید علم و سیاست‌گذاری برای آینده‌پژوهی اسلامی، بدون شناخت مسئله‌های عینی و داشتن نظام مسائل، آینده‌تصمیمات آینده‌پژوهان و مدیران را با چالش‌هایی روبرو کند. از سویی دیگر، تهیه لیست بلند بالایی از مسائل و چالش‌ها نیز نمی‌تواند راهگشا باشد مگر اینکه در این بین، «مسائل عینی و ضروری و فوری» ارزش‌گذاری شده و نسبت هر یک با هم آشکار و اولویت‌سنجی شود. در ارائه شبکه مسائل، ساختار به‌هم پیوسته مسئله‌های عینی با هم آشکار می‌گردد. در این نگاه روابط زنجیروار به‌هم پیوسته یا جدا از هم تشکیل شده و جهت‌تأثیریابی، ارزش‌گذاری و اولویت‌سنجی هر مسئله بر دیگر مسائل، بیش از پیش خود را نمایان می‌کند. به طبع در تشکیل «نظام مسائل آینده‌پژوهی اسلامی»، سازوکارها و روش‌های اجرایی مختلفی نیز، به‌منظور برون‌رفت از آن چالش عینی و اجتماعی، ارائه می‌گردد.

۹. یافته‌های تحقیق

قابل تأکید است که تحلیل انتقادی هر دستاورد، نظریه یا رشته‌ی علمی، مستلزم نادیده گرفتن نوآوری‌ها و جوانه‌های خوش‌آبیه آینده‌پژوهی نیست که در لابه‌لای برخی از آثار مکتوب، شکوفا شده است، اما به‌رحال بررسی‌های انتقادی در عرصه آینده‌پژوهی اسلامی، این حقیقت را آشکار می‌سازد که محدود کردن کوشش‌های آینده‌پژوهی، نسبت به برخی از «منابع معرفتی» و «مبانی نظری» و یک سری از ابزارهای نوین فناورانه، نمی‌تواند پاسخ‌گوی همه نیازهای اجتماعی، مدیریتی و راهبردی آینده‌پژوهی اسلامی باشد. لذا اگر نسخه آینده‌پژوهی اسلامی را همانند یک پازل معرفتی، ارزشی، توصیفی و توصیه‌ای، تصوّر کنیم که ابعاد و قطعات گوناگونی دارد، هر یک از گزاره‌های تاریخی، نقلی، عقلی، شهودی و تجربی، مانند تکه‌های تشکیل‌دهنده آن به‌شمار می‌روند. زمانی می‌توان از نسخه آینده‌پژوهی اسلامی، سخن گفت که قطعات جورچین معرفتی آن را در فرآیندی همگرا، در کنار یکدیگر قرار دهیم و به هر میزان از منابع معرفتی معتبری استفاده کنیم، با قاطعیت بیشتری برآیند این فرآیند را می‌توان متصف و متناسب به اسلام نماییم. بی‌شک، این مطلب

به معنای نگاه صفر و صدی برای اتصاف نظریه‌ی آینده‌پژوهی به اسلام نیست بلکه این انتساب ذومراتب و تشکیکی است. به این معنی که گزاره‌های علمی محقق آینده‌پژوهی به هراندازه از استنادات «متون و منابع معرفت‌بخش اسلامی» و «بنیان‌های نظری اسلام»، بهره‌مند باشد، در همان اندازه، یک تصویر از چهره‌ای از آینده‌پژوهی اسلامی را آشکار می‌کند. در این معنی، کوشش‌های جدی و قوی‌تر محققان سهمی بسزا در تکمیل و توسعه این جورچین معرفتی ایجاب می‌کند.

۱۰. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

الف: نتیجه‌گیری

۱. ارائه نسخه آینده‌پژوهی اسلامی، معطوف چگونگی تلقی آینده‌پژوهان مسلمان از منابع معرفتی و گونه‌های مبنای‌گرویی است. این امر که خواسته یا ناخواسته، ضرورت بازخوانی معنا و معیارهای اسلامی بودن آینده‌پژوهی را بیش از پیش می‌کند، به نیکی گویای این نکته است که آینده‌پژوهی اسلامی، باید دارای سازوکارها و معیارهای مشخصی باشد که «از» منابع اصیل معرفتی و مبانی نظری اسلام (مجموعه‌ای از مبانی هستی‌شناختی، منبع‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و روش‌شناختی) گرفته شده باشد؛ یا گزاره‌هایی که «با» منابع اصیل معرفتی و مبانی نظری اسلام، موافق باشند یا در صورت امکان مخالف نباشند.

۲. به‌طور کلی، در حیطه مطالعات آینده‌پژوهی اسلامی، شاهد سه عنوان پژوهشی هم‌آوا یا گونه‌های مبنای‌گرویی «اسلام-دینی‌گرویی آینده‌پژوهی»، «قرآن‌گرویی آینده‌پژوهی» و «حدیث‌گرویی آینده‌پژوهی» هستیم. شمار اندکی از این آثار به معنای آینده‌پژوهی در قلمرو اسلام، قابل ارجاع‌اند. اما بخش عمده‌ای از آینده‌پژوهی را از نگاه اسلام بازجسته‌اند و برخی نیز، فقط دغدغه‌هایی را از امکان نسخه اسلامی آینده‌پژوهی به میان آورده‌اند هرچند که برخی نیز در تعبیری جامع، تمامی این اصطلاحات را در زیرمجموعه «آینده‌نگری/پژوهی الهی» جای داده‌اند. با این همه، این مطلب نافی

کوشش‌های ارزشمند سایر محققان آینده‌پژوهان مسلمان نیست که به گونه‌های مختلف، درصدد ارائه کارکردهای آینده‌پژوهی و حتی فراتر از آن در قلمروی نظام اندیشه‌ای و ارزشی اسلامی هستند.

ب: پیشنهاد

به نظر می‌رسد، رفع چالش‌ها، نقایص و توجه به پیشنهادهای این مقاله، می‌تواند بخشی از کاستی‌های حوزه آینده‌پژوهی اسلامی - الهی را در مطالعات پسین تأمین کند. این موارد را می‌توان در عناوین زیر «تاملی دقیق‌تر در معنای اسلامی بودن آینده‌پژوهی»، «تناسب سازی نسخه آینده‌پژوهی اسلامی با تعابیر هم‌آوای آن»، «ایضاح در معرفی معیارهای اسلامی بودن مطالعات آینده‌پژوهی»، «اعتنای کافی به نقش «روش» در مطالعات آینده‌پژوهی»، «به‌کارگیری از منابع و ادله بینامذهبی»، «ایضاح نقش تجارب و دستاوردهای بشری»، «معرفی سازوکارهای روش‌شناختی در ارائه نظریه» و «تشکیل نظام مسائل در مطالعات آینده‌پژوهی» بازجست.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- ابو داود السجستانی، سلیمان، سنن أبي داود، بیروت، دارالکتب، بی تا.
- ابوالقاسم طبرانی، سلیمان، المعجم الکبیر، قاهره، مکتبه ابن تیمیه، ۱۴۰۵ق.
- ابي شيبه، أبو بکر، المصنف فی الأحادیث والآثار، ریاض، مکتب الرشید، ۱۴۰۹ق.
- احمدیان، مهدی، ذوالفقارزاده، محمدمهدی، در آمدی بر آینده اندیشی قرآنی: باورهای بنیادین، الگوهای رفتاری و رهنمودهای پژوهشی، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ۱۳۹۸.
- احمدیان، مهدی؛ ذوالفقار زاده، محمدمهدی، مبانی نظری آینده‌نگری آیاتی؛ آیت پژوهی از منظر سوره جاثیه، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ۱۳۹۹.
- احمدیان، مهدی؛ ذوالفقار زاده، محمدمهدی، حکمرانی و آینده نگری مومنانه از منظر سوره مجادله، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ۱۳۹۸.
- اسلاتر و دیگران، نواندیشی برای هزاره نوین مفاهیم، روش‌ها و ایده‌های آینده‌پژوهی، موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، ۱۳۸۶.
- اکبرنژاد، مهدی، بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۸.
- بشیری، حسن؛ ناظمی، امیر، آینده پژوهی در سیستم های پیچیده، مرکز سیاست گذاری علمی کشور، تهران، ۱۳۹۷.
- پدرام، عبدالرحیم، احمدیان، مهدی، آموزه‌ها و آموزه‌های آینده‌پژوهی، موسسه افق راهبردی، تهران، ۱۳۹۴.
- پدرام، عبدالرحیم، عبوضی، محمدرحیم، درآمدی بر آینده پژوهی اسلامی، موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، ۱۳۹۵.
- حنبل الشیبانی، احمد، مسند؛ بیروت، عالم الکتب، ۱۴۱۹ق.
- رضوانی، مهدویت و جهانی سازی، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶ش.
- شریفی، احمد حسین، روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی، انتشارات آفتاب توسعه، ۱۳۹۵.
- شریفی، احمد حسین، نظریه‌پردازی اسلامی در علوم انسانی، انتشارات آفتاب توسعه، تهران، ۱۳۹۶.
- شریفی، احمد حسین، مبانی علوم انسانی اسلامی، انتشارات آفتاب توسعه، تهران، ۱۳۹۳.

- صفوی، محمدرضا، بازخوانی مبانی تفسیر قرآن، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۹۱.
- عالی نژاد، صمد، آینده‌پژوهی از دیدگاه قرآن کریم، زمزم هدایت، قم، ۱۳۹۵.
- عمید زنجانی، عباسعلی، درآمدی بر حقوق اسلامی تطبیقی، ناشر میزان، ۱۳۹۵.
- عنایت‌الله، سهیل، پرسش از آینده، ترجمه مسعود منزوی مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، ۱۳۹۴.
- فقیه ایمانی، الإمام المهدی (علیه‌السلام) عند أهل السنة، مكتبة الإمام أميرالمؤمنین علی (علیه السلام) العامة، اصفهان، ۱۴۰۲ق.
- قرائی سلطان آبادی، احمد، تحلیل کارکرد تجارب زیسته بشری به مثابه یک منبع تفسیری، مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۱ش.
- کارگر، رحیم و جمعی از محققان، مهدویت و آینده‌پژوهی، مقاله سعید خزائی، کاربرد روش‌های آینده‌پژوهی در مهدویت، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۹۲ش.
- کارگر، رحیم، آینده‌پژوهی دینی و آینده جهان از دیدگاه اسلام، انتشارات علم آفرین، اصفهان، ۱۳۹۴.
- گودرزی، غلامرضا، ذوالفقارزاده، محمدمهدی، تصویرپردازی از مدیران آینده؛ به سوی الگوی قرآنی، اندیشه مدیریت راهبردی، ۱۳۸۷.
- گودرزی، غلامرضا، افضل، علیرضا، پورعزت، علی اصغر، سنت پژوهی؛ رویکردی نوین به آینده پژوهی، مشرق موعود، ۱۳۹۶.
- المتقی هندی، علی بن حسام؛ كنز العمال فی سنن الاقوال والأفعال؛ مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۹۸۹م.
- مطیع، حسین، رابطه دین و فناوری، دفتر نشر معارف، قم، ۱۳۹۶.
- موسوی، عبدالرحیم، الإمام المهدی (علیه‌السلام) فی روایات أهل السنة، المجمع العالمی لاهل البيت (علیهم‌السلام)، قم، ۱۴۲۲ق.
- نظام مسائل راهبردی کشور در سال ۱۴۰۰، دیده بان، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- وقوفی، امید، مقدمه‌ای بر آینده‌پژوهی اسلامی، نشریه آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، تابستان ۱۴۰۰، سال ۲، شماره ۲، صص ۵۷-۸۹.

ب. منابع انگلیسی

- Sardar, Ziauddin, "Eoploration in Islamic Science", Mansell, 1989.